

شرایط تعدد زوجات

عبدالرحمن عظیمی

شریعت اسلام گرفتن بیش از یک زن را برای مردان بخاطر رفع مشکلات فردی و اجتماعی آنها در احوال و شرایط خاص مجاز قرار داده، نه بخاطر هوس رانی و استفاده سوء از آنها. با آنکه شریعت اسلام اجازه نکاح بیش از یک زن را به مرد داده است، ولی این اجازه مطلق نبوده، بلکه مقید به شرایط است و در آن صلاحیت مرد تحدید گردیده که در صورت عدم رعایت شرایط، حالات و ظروف مورد نظر، حق نکاح بیش از یک زن ندارد چنانچه خداوند متعال ارشاد فرموده است: «اگر می ترسید که نمی توانید کمال عدالت را رعایت نمائید پس بایست از نکاح بیش از یک زن اجتناب کنید» سوره النساء.

شخصی که معتقد به خداوند بوده، خود را مکلف به رعایت دساتیر قرآنی و سنت پیامبر بزرگوار اسلام می داند از روز حسابدهی آخرت به بارگاه خداوند خوف دارد، چنین شخص از احتمال اینکه مبدا با نکاح کردن بیش از یک زن عدالت را زیر پا نماید، هیچگاه بیش از یک زن را به نکاح خویش در نمی آورد. زیرا تحقق عدالت و موجودیت اطمینان در مورد به قطع، جز از پیمبران برای سایرین وجود نداشته و هر آئینه نزد آنها احتمال عدم امکان عدالت موجود خواهد بود. چرا که خداوند در کلامش فرموده است: «چنین است که شما به هیچ وجه نمی توانید بین همسران متعدد عدالت را رعایت نمائید؛ بنابراین به اختیار همسران متعدد رغبت نکنید و به همان یکی اکتفاء نمائید» (سوره النساء)

طوریکه دیده می شود در این آیه مبارکه خداوند (ج) (اضرار تعدد زوجات را بیان و در واقعیت امر مردی را که نمی تواند عدالت را در میان همسران خود رعایت نماید، از نکاح زن دیگر منع نموده است. چون عدالت مفهوم نسبی داشته و رعایت آن برای انسان ها کار مشکل و دشوار است به عوض آنکه مرد با نکاح بیش از یک زن لحظاتی چند از زندگانی خویش را خوش بگذرانند، بهتر خواهد بود آینده خود و روز قیامت و محاسبه اعمال را در نظر داشته با ترس از خداوند (ج) (از این کار اجتناب نماید .

قانون مدنی با تبعیت از شریعت اسلام در ماده ۸۶ خویش ازدواج با بیش از یک زن را تحت شرایط آتی چنین تصریح نموده است:

«ازدواج به بیش از یک زن بعد از تحقق حالات آتی صورت گرفته می تواند:

- ۱- در حالتی که خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد
- ۲- در حالتی که شخص کفایت مالی برای تامین نفقه زوجات از قبیل غذا، لباس، مسکن و تداوی مناسب را دارا باشد
- ۳- در حالتی که مصلحت مشروع، مانند عقیم بودن زوجه اولی و یا مصاب بودن وی به امراض صعب العلاج، موجود باشد».

از نگاه عقل و منطق نیز جمع نمودن دو انسان آزاد، صاحب عقل و شعور و با اراده و اختیار تحت تسلط یک مرد که از هر جهت دارای اختلاف احساس و منافع می باشند کار درست نیست، تعدد زوجات باعث ایجاد کراهت گردیده و مرد مسلمان و مومن از ارتکاب این عمل که شرعاً مکروه خوانده شده، اجتناب ورزیده و ترک آن را بهتر از اجرائش می داند. هستند کسانی که تحت اثر هوا و هوس رفته و بدون اینکه موضوع عدالت و انصاف را در نظر داشته باشند بیش از یک زن را به نکاح خود می گیرند، طوریکه یکی از زنان را مورد عطف و لطف قرار داده، ضروریات وی را مرفوع و دیگر آن را مانند کنیز خود دانسته اصلاً هیچ توجه و اعتنائی به وی نمی نماید. البته این بی توجهی نه تنها در قسمت تهیه لباس و خوراک و محل سکونت وی، با آن دیگری فرق قایل می شود بلکه از هم بستر شدن و معاشرت جنسی با او نیز احتراز می کند، که این عمل خود بی عدالتی و تخلف صریح از احکام شریعت اسلام بوده، درحقیقت شرعاً مرتکب کار زشت و ناپسند گردیده، در آخرت مستوجب عذاب الهی دانسته می شوند. زیرا خداوند (ج) (ارشاد می فرماید: «با زنان به نیکویی رفتار نموده، یا آنها را به طریقه پسندیده و خوب و شایسته در قید نکاح نگه دارید و یا اینکه به طور شایسته آنها را رها

سازید و نباید مرتکب کاری شوید که زنان را به قصد آزار و اذیت در قید نکاح خود نگاه داشته، حقوق شان را تلف نمایید.»

بناءً شریعت اسلام مقام و منزلت زن را منحصراً یک انسان دارای حقوق و با کرامت دقیقاً در نظر گرفته و هر نوع تخلف از احکام الهی را مردود و عمل کننده (آن را مستوجب عذاب اخروی دانسته است .

آغاز و پایان شخصیت

حفیظ الله زکی

همانطوری که می دانید شخص بر دو نوع است:

۱- شخص حقیقی (طبیعی)

۲- شخص حقوقی (حکمی)

هریک از اشخاص فوق برای برخورداری از حقوق و التزام به انجام تکالیف، آغاز و پایانی دارند که دانستن آن به خاطر آثاری که به لحاظ حقوقی و قانونی بر آنها مترتب می شوند، بسیار مهم می باشد. بسیاری از دعاوی مدنی و جزایی در محاکم از همین مسأله نشأت می گیرد. در این بحث ما به دو واژه نزدیک به هم بر می خوریم که به خاطر شباهت هایی که بین آنها وجود دارند، تفکیک مفهومی آنها اجتناب از اشتباهات احتمالی، ابتدا لازم می دانیم که به تفاوت های این دو واژه بپردازیم

شخص

شخص اگر چه در رشته های مختلف علوم معانی متفاوتی دارد. اما در اصطلاح حقوق، شخص به آن موجودی اطلاق می شود که قابلیت دارا شدن حقوق و تکالیف را داشته باشد. پس شخص در اصطلاح حقوق فراتر از انسان است و به مجموعه پدیده های استعمال می شود که موضوع "حق" قرار می گیرند؛ مانند: انسان، شرکت های تجاری، انجمن ها، دولت و ...

شخصیت

شخصیت نیز در اصطلاح حقوق عبارت از شایستگی شخص است که در اثر آن می تواند شخص طرف حق و یا تکلیف قرار بگیرد. بنابراین هر فرد انسانی در اجتماع دارای شخصیت است؛ زیرا هر فرد انسانی در جامعه از حقوقی بهره مند می شود و یا به انجام عملی مکلف می گردد.

۱- آغاز شخصیت حقیقی

شخصیت اشخاص حقیقی و طبیعی از زمان تولد شخص آغاز می شود و با فوت او پایان می پذیرد. ماده ۳۶ قانون مدنی افغانستان در این باره مقرر می دارد که "شخصیت انسان با ولادت کامل وی به شرط زنده بودن آغاز و با وفات انجام می یابد".

در قانون برای برخورداری از حقوق لازم نیست که شخص به دنیا آمده باشد، بلکه جنینی که تا هنوز به دنیا نیامده است، نیز می تواند از برخی حقوق بهره مند شود؛ اما در قانون قید زنده متولد شدن جنین را به آن اضافه نموده است. بنابراین اگر جنین زنده متولد نشود، اهلیت تمتع از حقوق را نیز پیدا نمی کند. از این که اهلیت تمتع جنین با زنده متولد شدن آن شروع می گردد؛ لذا در قانون، آغاز شخصیت انسان را از زمان ولادت کامل و به شرط زنده متولد شدن حساب کرده است .

پایان شخصیت حقیقی

شخصیت حقیقی وقتی ختم می شود که شخص قابلیت و شایستگی خود را در برخورداری از حقوق و یا انجام دادن تکالیف از دست می دهد. مطابق ماده ۳۶ قانون مدنی "شخصیت حقیقی با وفات پایان می یابد". فوت انسان نیز به دو گو نه می باشد:

-فوت حقیقی

-فوت حکمی

فوت حقیقی آن است که به دلیل و یا اماره یقین آور ثابت شود که روح آدمی از تن وی مفارقت کرده است و شخص مرده است.

فوت حکمی یا فرضی آن است که شخص ممکن است حقیقتاً نمرده باشد؛ اما با توجه به وضعیت شخص به لحاظ حقوقی فوت او فرض می شود. یعنی حکم فوت او توسط محکمه ذی صلاح صادر می شود. مثل انسانی که غیبت طولانی کرده و زندگی و مرگ او نا معلوم باشد.

در این که غیبت طولانی چه مدت زمانی را در بر می گیرد، علمای حقوق اختلاف نظر دارند؛ اما در قانون مدنی افغانستان این مدت چهار سال تعیین شده است. ماده ۳۲۶ فقره ۱ قانون مدنی اشعار می دارد که:

"هرگاه شخصی که بیش از چهارسال مفقود گردیده و غالباً هلاک وی متصور باشد. چنین شخص به حکم محکمه باصلاحیت متوفی شناخته می شود و در سایر موارد تشخیص مدتی که بعد از آن شخص مفقود متوفی شناخته می شود، مفوض برای محکمه می باشد."

البته چون دانستن حیات و مرگ غایب مفقود الاثر دارای اثار و پیامدهای حقوقی بسیاری است؛ لذا قانون، توجه ویژه محکمه را در این امر مبذول داشته است.

فقره دوم ماده ۳۲۶ قانون مدنی حکم نموده که: "محکمه در معلوم نمودن حیات و وفات شخص مفقود از وسایل ممکنه استفاده می نماید".

د شکمن حقوق په ملي او نړيوالو اسنادو کي (۲) د جرم د کشف په پړاو کي د شکمن حقوق

محمد ابراهيم "بري" د جرم کشف عبارت له هغو اقدامات څخه ا
دلايلو له تينينتي د نيوي هغه نيولو همدارنگه ارتکاب
اړندو په سرته رسيري.
هيواد () حکم کي شکمن
رعايت ايا کشف په
که څه ډول؟
البته شکمن ديرو لرونکي پوليسي بايد په ډول رعايت وکړي هغه
په ډول څيرو.

ا. د شک يا تور تفهيم کول
شک تفهيم څخه موخه هر شکمن ر له ماهيت څخه وړاندي له
تحقيقات پيل بايد کړاي ته نوموړي په تور را غوښتل شوي ر
يا نيول شکمن په توگه وکولاي ځان
برابري.
تفهيم په کي
احضار کيږي بيلگي په شاهد، رر، اطلاع ورکونکي، اهل
شکمن په توگه، ت په د کښي ا
شکمن ته بايد هغه يا انگيزه په اښکاره ډول ويل ش
هغه شک يا (په) کښي په لازمه گه څخه وکولاي .
اتهام) شک (تفهيم هغه زياد اهميت په دليل
قوانينو ديرو هيوادو په مل قوانينو کښي تر پا،
غوندي () کال د د برد شپارسمي نيټي تصويب سياسي
نړيوال نهمي په دوهمه تره کښي سي ليکي) هرڅوک نيول کيږي بايد توقيف کيدو پرمهال

هغه له نو څخه ډیر هغه اخطار په هر ډول په هکله نوموړي ته ورکول کيږي لاسه کړي .

همدا رنگه دریمي هر څوک یو په نیول کيږي یا توقیف () کيږي باید نوموړي ډیر محکمي یا هر ته په اختیار او سرته کړي باید په معقوله د محاکمه یا .

هغو توقیف محاکمي په کي موقته کیدای دهغه تضمینونو اخیستلو ته ماکول محاکمي په څیرنو په هیواد () په کي حکم تامین کړي .

ب. د شکمن یا تورن د خصوصی حریم د حرمت ساتنه. « متهم نیولو له اتهام څخه خبر کړي هغي ننه ټاکي محکمه کي . »

شکمن یا ژوندانه خونديتوب له ډیرو مهمو څخه په ډیره څیرتیا څکه چي کشف دلایلو په کي ډیر کوچني ساينس تخنیک وسایلو له کشف پولیس په ارگانونه په چتکتیا په عین کي په وکړي او په نتیجه کښه لمړنیو تحقیقاتو پدیدي کیفیت نتیجه دیکتوسکاپي) گوتونښو پیژندنه (بالستیک) پیژندنه (حشره) خزنده پیژندنه (جنیټیکي هویت (DNA) پیژندنې له کمپیوتر تکنالوژي څخه گټه اخیستل له دا ډول پرمختک څخه برخه دقیق چتک کشف په زمينه کي د لور اطمینان سبب

ایجابوي له تکنالوژي ختگونو څخه غیر (رعایت یا په رادي وي ، د غږ د ثبتولو ، عکس او نړیوال اعلامیي په دولسمه ماده او د خو اخیستني برید د) طریقو باید په چوکات سیاسی نړیوال میثاق په لسمه (په کي په) کړي .

کښي په هکله (لیکونو) ی او محرمیت که په لیکلي ډول وي یا تيلفون، تيلگراف او يانورو وسيلو له لياري له تيري څخه ، حق نلري مگر د قانون حکمونو سره سم (د نړیوال میثاق د له رادو په هکله چي له خپلي ازادي څخه محروم شوې وي باید په انسانیت له حیثیت سره سم چال چلند وشي او د نوموړي میثاق په او، لسمه ماده کښي داس (. . .) همدا رنگه حیثیت ترغیر تيري (زموږ هیواد په څلویښتمه کښي بیان (کرامت په ساتنه مکلف (در رابطه به فقدان ادراک

قسمت دوم

فیض الله خواجه امانی

تحت عنوان فقدان ادراک سه حالت را باید تحت مطالعه قرار داد .

۱- جنون،

۲- سکر،

۳- صغر سن .

اول جنون: عبارت از ضعف و یا اخلال عقل می باشد که این تعریف در برگیرنده تمام امراض عقلی و حتی عته یا معتوه بودن را نیز شامل می شود. مجنون ضعف الادراک را علمای فقه معتوه گفته اند .

جنون به دو قسم می باشد ۱- جنون مطبق ۲- جنون غیر مطبق یا منقطع

۱- جنون مطبق: عبارت از آن جنونی است که مصاب یا مبتلا به آن هیچ چیزی را درک کرده نمی تواند. یا به عبارت دیگر این رقم جنون دوامدار و همیشه می باشد چه طبیعی باشد (یا عارضی باشد که بعداً بالاثر حوادث مبتلا به آن شده باشد که این نوع جنون را به نام های جنون کلی و جنون مغلوب هم یاد نموده اند .

۲- جنون غیر مطبق یا منقطع: نوعی از جنون است که شخص مبتلا به آن گاهی فاقد ادراک می باشد و گاهی حایز ادراک، در این حالت پس مجنون مذکور تنها درحالت فقدان ادراک غیر مسئول می باشد، اما در حالت داشتن ادراک مسئولیت جنائی دارد. مجنون غیر مطبق را بیشتر علما معتوه و حالت معتوه و ضعف الادراک او را حالت مخففه می دانند .

عده از علما جنون را از لحاظ زمان به دو نوع تقسیم بندی نموده اند: الف- جنون معاصر ب- جنون لاحق .

الف - جنون معاصر: نوع از جنونی است که شخص در حین ارتکاب جرم مبتلا به آن باشد. این نوع جنون مسئولیت جنائی را بار نمی آورد؛ زیرا مجنون حین ارتکاب جرم فاقد ادراک بوده از اینکه اساس مسئولیت، داشتن شعور و ادراک می باشد چون مجنون مذکور ادراک ندارد بناءً مسئولیت متوجه او نمی شود .

ب- جنون لاحق: نوع از جنون می باشد که شخص حین ارتکاب جرم دارای عقل، هوش و بالغت بوده بعد از ارتکاب جرم به مرض جنون گرفتار شده باشد، فرق نمی کند که بعد از اصدار حکم محکمه باشد یا قبل از اصدار حکم محکمه، در اصل جنون مجازات جنائی را رفع می نماید، اما موجودیت جنون نزد شخصی مرتکب عملی که مسئولیت مدنی دارد، مسئولیت مدنی او را رفع نمی گرداند. لذا مجنون در موضوعات مدنی مسئول افعال خود بوده ملزم به جبران خساره می باشد که از اثر ارتکاب جرم او نشأت کرده است .

در ماده (۶۷) قانون جزا راجع به مجازات مجنون چنین آمده است:

۱- شخصی که حین ارتکاب جرم به سبب جنون یا سایر امراض عقلی فاقد ادراک و شعور باشد مسئولیت جزائی نداشته مجازات نمی گردد .

۲- اگر شخص حین ارتکاب جرم جنایت و جنحه مبتلا به نقصان ادراک و شعور باشد محکمه او را معذور شناخته احکام متعلق به احوال مخففه مندرج این قانون را در مورد او رعایت می نماید .

۳- قباحت اشخاص مندرج فقره (۲) این ماده جرم شمرده نمی شود.

دوم- سکر: عبارت است از زوال عقل به سبب استعمال مواد مسکره و مخدره می باشد، راجع به سکر نظریات مختلف ارایه شده، عده از علما اظهار نظر کرده اند که سکر زوال عقل را چنان بار آورده باشد که زمین را از آسمان و مرد را از زن فرق کرده نتواند عده دیگر می گویند هرگاه شخص در حالتی قرار گیرد که الفاظ بیهوده و غیر معقول و غیر مرتبط از زبان او صادر شود. این حالت را سکر گویند .

در قانون جزای کشور راجع به سکر در مواد ۶۸ چنین آمده -۱ " شخصی که حین ارتکاب جرم به سبب استعمال مواد مسکره یا مخدره ادراک و شعور خود را از دست بدهد در حالی که استعمال آن جبراً یا بدون علم مرتکب صورت گرفته باشد مجازات نمی گردد -۲. هرگاه شخص مندرج فقرة فوق ادراک و شعور خود را کاملاً از دست نداده باشد طبق حکم مندرج فقرة (۲) ماده (۶۷) این قانون مجازات می گردد " .

سکر و مسئولیت مدنی

طبق احکام شریعت و قانون خون و مال مردم از تعرض مصئون است. ریختاندن خون و تلف کردن مال مردم بی موجب و خلاف احکام قانون و شریعت، مجاز نمی باشد بناءً رفع مسئولیت جنائی به سبب فقدان ادراک مستلزم رفع مسئولیت مدنی شده نمی تواند به طور مثال شخص مسکر مرتکب جرم سرقت شود مسکر ضامن مال مسروقه می باشد.

سوم - صغرسن

در رابط به صغر سن باید تذکر داد که مطابق احکام شریعت و قانون انسان از وقت ولادت تا به زمان رشد؛ سه مرحله را طی می نماید که هر مرحله آن به فقدان ادراک، ضعف ادراک و تکامل ادراک تعلق می گیرد.

۱- صبی غیر ممیز؛ یعنی طوری که فرق خوب و بد را کرده نتواند در مرحله فقدان ادراک قرار دارد. تا سن هفت سالگی این حالت می باشد و در این مدت اگر مرتکب کدام جرم شود مسئولیت جنائی ندارد .

۲- صبی ممیز طفلی که فرق خوب و بد را کرده بتواند یعنی در مرحله ضعف ادراک قرار دارد که از سن هفت به بالا الی بلوغ را در بر می گیرد که در این مرحله مسئولیت تادیبی دارد نه جنائی.

۳- طفل بالغ که در مرحله تکامل ادراک قرار دارد که طبعاً در صورت تخلف مسئولیت جنائی دارد.

بیع

قسمت اول

گلالی سنگر خیل عزیزی

بیع در لغت خریدن، فروختن، خرید یا فروش، بیشتر به معنی فروختن استعمال می شود.

بیع مانند شرا هم بر خرید و هم بر معنای ضد آن یعنی فروش اطلاق می-شود .

باید دانست که استعمال لفظ در معنای متضاد به نحو حقیقت است، نه اینکه در یکی حقیقت و در دیگری مجاز باشد و در واقع مشترک لفظی است میان خرید و فروش. بیع در معنای مبیع هم بکار می رود. بیع در اصل و ضع به معنای مبادله مال در مقابل مال است. بدین معنا که هریک از متعاملین، آنچه را نزد دیگری است برای خود بر می گیرد و آنچه را که پیش خود دارد به وی می سپارد، به گونه ای که هر کدام، دیگری را مالک آن چیز می کند که موضوع مبادله واقع شده است.

بیع در اصطلاح

معنای اصطلاحی بیع یا خرید و فروش، انتقال معنا کرده و آن را انتقال عین مملوکه از شخصی به دیگری در مقابل عوض معین دانسته به گونه ایی که با رضایت طرفین واقع شده باشد. گروهی نیز آن را ایجاب و قبول دانسته اند که بر انتقال دلالت کند. نقل عین با صیغه مخصوص نیز تعریف دیگری است از بیع.

فقره ۱ ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی افغانستان عقد بیع را عبارت از تملیک مال از طرف بایع به مشتری در مقابل مالی که ثمن مبیعه باشد مشعر نموده است. به هر حال از نظر تحلیلی باید گفت که در بیع، تملیک در جهت اضافه صورت می گیرد بدین معنی که فروشنده رابطه ملکیت خود را با کالا در مقابل ایجاد ارتباط ملکیت جدید با پول قطع می کند و در مقابل ارتباط خریدار با بهای معین شده قطع می شود تا ارتباط جدیدی با کالا و مبیع برقرار سازد. این فعل و انفعال و این تملیک رابیع می نامند .

ویژگیهای بیع

۱-بیع عقد لازم است: با ملاحظه اثر بیع که تملیک عین در برابر ثمن است و در حقیقت موجب تصرف بایع در مبیع و مشتری در ثمن می‌گردد؛ لزوماً اراده هر یک از متصرفین مبنی بر تملیک باید انشا گردد. به علاوه، به موجب بیع برای هر یک از طرفین تعهداتی به وجود می‌آید این مهم دلیل عقد بودن بیع است. از سوی دیگر بر پایه اصل لزوم در عقود و قراردادها، هر عقدی لازم است مگر آنکه دلیل بر جایز بودن آن ارایه گردد. بنا برین، در لزوم عقد بیع نباید تردید کرد، به این معنی که هیچ یک از طرفین نمی‌تواند بی دلیل آن را بر هم زند، برخلاف عقد جایز که هر یک از طرفین هر وقت بخواهد می‌تواند معامله را فسخ کند ماده ۱۰۴۲ قانون مدنی "آنچه که می‌تواند دلیل برای فسخ عقد بیع باشد اقاله و نیز خیاراتی است که به طرفین یا یکی از آنها توانائی برهم زدن معامله را می‌دهد".

۲-بیع عقد تملیکی است: هر چند عقد بیع مانند سایر عقود از اصل عمومی حاکم بر عقود تبعیت می‌کند و تعهداتی را برای طرفین آن به وجود می‌آورد اما نباید پنداشت که اثر اولی آن ایجاد تعهد است، زیرا همانطوریکه در تعریف عقد گفته آمد، اولاً و با لذات موجب تملیک عین به مشتری و ثمن به بایع خواهد بود. از این رو تملیکی بودن را ویژه عمده عقد بیع می‌دانیم. این حیثیت بیع موجب شده است که با دیگر عقود تملیکی مثل اجاره، قرض، هبه، وصیت تملیکی و صلح در وقتی که اثر آن تملیک باشد مشابهت پیدا کند.

در این میان تفاوتی نمی‌کند که مبیع، جزئی و شخصی و معین باشد یا اینکه کلی فی الذمه یا کلی در معین باشد. زیرا در دو مورد آخر هم مانند مورد اول قصد اولیه بایع، تملیک مال بوده است هر چند در عین جزئی، مبیع قابل اشاره حسی است ولی در عین کلی قابلیت اشاره ندارد. بنابراین وقتی که مبیع مثلاً کتابی با فلان مشخصات و از هر حیث معلوم شده ولی معین نشده است). در این فرض اصطلاحاً می‌گویند مبیع کلی فی الذمه است (باز هم تملیک صورت گرفته است با این تفاوت که فروشنده متعهد است بر حسب قرارداد بیع، مصداق آن را تعیین کند.

همچنان که در فرضی که مبیع، کتابی است در میان صد ها کتاب موجود که همه از مشخصات یکسان بر خوردارند (در این فرض گفته می‌شود مبیع، کلی در معین است) نمی‌توان در تملیک آن به سبب بیع تردید کرد، چه آن که مشتری مالک یکی از کتاب های مزبور است که با بیع متعهد به تعیین و تسلیم آن است. از این رو باید گفت که در هر حال تملیک صورت گرفته است و اثر اصلی بیع در آن ملحوظ است. آنرا به یک عقد عهدی مبدل نمی‌سازد.

تعریف بیع نیز گویای همین مطلب است، زیرا مقصود تملیک عین است نه فقط عین معین و مقصود. و تصریح به لفظ عین در تعریف، صرفاً به خاطر جدا سازی بیع از اجاره است.

معرفی سازمان ملل متحد

دردانه فضالی

مجمع عمومی سازمان ملل

مجمع عمومی که رکن مشورتی اصلی سازمان ملل متحد می‌باشد از نمایندگان کلیه کشورهای عضو تشکیل شده که هر یک از آنان دارای یک رای هستند. تصمیم گیری در باره مسائل مهم مانند صلح و امنیت، پذیرش اعضای جدید و بودجه نیاز مند اکثریت دو سوم آرا است. و تصمیم گیری در باره مسائل دیگر با اکثریت ساده انجام می‌شود.

وظایف و اختیارات مجمع عمومی سازمان ملل متحد

بر اساس منشور ملل متحد وظایف و اختیارات مجمع عمومی قرار ذیل است:

۱- بررسی و ارائه توصیه در باره اصول همکاری در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی، از جمله اصول حاکم بر مقررات خلع سلاح و تسلیحات؛

۲- بحث در باره هر مساله مربوط به صلح و امنیت بین المللی و ارائه توصیه هایی در باره آن، به استثنای مناقشه یا موقعیتی که شورای امنیت مشغول بحث در باره آن است؛

۳- بحث، و با همان استناد، ارائه توصیه هایی در باره هر مساله ای در محدوده منشور یا در حوزه اختیارات و وظایف هر ارگان سازمان ملل متحد؛

۴- مطالعه و ارائه توصیه هایی برای ترویج همکاری سیاسی بین المللی، توسعه و تدوین حقوق بین الملل، تحقق حقوق بشر، آزادی های بنیادی برای همه، و همیاری بین المللی در حوزه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی؛

۵- ارائه توصیه هایی برای حل مسالمت آمیز هر موقعیتی، بدون توجه به منشا آن، که ممکن است به روابط دوستانه بین ملتها لطمه بزند؛

۶- دریافت و رسیدگی به گزارش های شورای امنیت و سایر ارگانهای سازمان ملل متحد؛

۷- بررسی و تصویب بودجه سازمان ملل و تقسیم و تخصیص سهمیه های پرداختی اعضا؛

۸- انتخاب اعضای غیر دایمی شورای امنیت، اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی و اعضای اضافی شورای قیمومت (هنگام ضرورت)؛ انتخاب قضات دیوان بین المللی دادگستری به اتفاق شورای امنیت؛ و انتصاب دبیر کل بر اساس توصیه شورای امنیت. اقتباس : حقایق اساسی در باره سازمان ملل متحد

ترجمه : علی ایثار کسمایی

شعبات حقوق (۴)

ملکیت

دردانه فضائلی

با توجه به ماده ۱۹۰۰ قانون مدنی که در مورد ملکیت چنین صراحت دارد "ملکیت، حقی است که به مقتضای آن شی تحت اراده و تسلط شخص قرار می گیرد و تنها مالک می تواند در حدود احکام قانون به استعمال، بهره بر داری و هر نوع تصرف مالکانه در آن بپردازد.

انواع ملکیت

ملکیت به دو دسته تقسیم شده است:

-منقول

-غیر منقول

از موضوعات عمده مورد بحث حقوق عینی ملکیت های غیرمنقول و حقوق مرتبط به ملکیت (حقوق ارتفاع) (است که حقوقدانان ملکیت غیر منقول را به چهار نوع تقسیم نموده اند:

الف: اموالی که در ذات خویش غیر منقول است؛

ب: اموالی که در نتیجه عمل انسان غیر منقول می گردد؛

ج: اموالی که در حکم غیر منقول باشد؛

د: اموالی که تابع غیر منقول اند؛

اسباب ملکیت

۱- تصاحب: عبارت از مال مباح است که یک شخص قبل از دیگران آنرا بدست بیاورد، مالک آن شناخته می شود.

۲- میراث: یا انتقال ملکیت به سبب وفات، استحقاق ارث به مرگ مورث یا به اعتبار این که به حکم قاضی شخصی مرده محسوب شود، تحقق یابد.

۳- وصیت: عبارت از تصرف در ترکه به نحوی که اثر آن به بعد از وفات وصیت کننده منسوب باشد. نا گفته نباید گذاشت که ملکیت علاوه بر موارد فوق ذریعه عقد، هبه و فروش نیز کسب می گردد.

حقوق ارتفاق

قبلا یاد آوری نمودیم که موضوعات مورد بحث در حقوق عینی علاوه بر اموال غیر منقول، حقوق مرتبط به ملکیتها را نیز شامل می باشد که به نام حقوق ارتفاق مسمی گردیده و عبارت از حقوقی است که عمار بالای عمار دیگر دارد. و دارای انواع ذیل است.

انواع حقوق ارتفاق

۱- شفع

۲- حقابه

۳- حق مروررفت و آمد

دیدار معین وزیر امور خارجه امریکا در امور مواد مخدر و تنفیذ قانون با وزیر عدلیه

آقای دیوید جانسن معین وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در امور مواد مخدر و تنفیذ قانون با آقای سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان، روز سه شنبه ۲۸ میزان ۱۳۸۸ در وزارت عدلیه ملاقات و گفتگو نمود.

وزیر عدلیه در این دیدار، در مورد محابس کشور با ابراز تشکر از موسسه سی.اس.پی. که پروژه هایی را به خوبی پیش برده است، گفت که مطابق پلانی که در سالهای قبل منظور شده بود، پیشرفت کار بعضی قسمت ها ضعیف بوده است. در گذشته در نظر بود تا در سه بخش تعمیرات، آموزش پرسونل و تطبیق ریفورم کار شود، اما در قسمت بازسازی و اعمار تعمیرات که بودجه و کار زیادتر لازم است، پیشرفت ها نسبتا کند بوده است. کار تعمیر محبس بغلان و میدان وردک که در دو سال پیش تصویب شده بود، هنوز هم شروع نشده است.

معین وزیر امور خارجه ایالات متحده امریکا در امور مواد مخدر و تنفیذ قانون گفت که پروژه محبس بغلان و میدان وردک /...

...از لحاظ اداری مراحل پایانی خود را طی می کند و آماده شده تا به اعلان گذاشته شود و به زودی کار این دو پروژه شروع خواهد شد.

وزیر عدلیه در مورد مراکز اصلاح و تربیت اطفال گفت که این مراکز نیز با مشکلات زیادی مواجه هستند. با آنکه از ۳۴ ولایت کشور در ۳۲ ولایت این مراکز فعال هستند، اما در یکی - دو سال اخیر فقط توانسته ایم در دو ولایت کابل و هرات برای این مراکز تعمیرهای مناسب بسازیم. در قسمت تجهیزات و ساختمان ها با مشکلات زیادی مواجه بوده و نیازمند کمک هستیم.

وزیر عدلیه در بخش اداره مساعدت های حقوقی گفت که این مساعدت ها مطابق قانون از طرف حکومت برای مجرمین بی بضاعت ارائه داده می شود. در افغانستان سیستم وکالت مدافع تا هنوز ضعیف است، در بعضی از ولایات حتا یک وکیل مدافع هم وجود ندارد.

آقای دانش افزود ما در ۱۴ ولایت اداره مساعدت های حقوقی را برای کمک به متهمین و مجرمین بی بضاعت فعال کرده ایم و به تدریج در سراسر کشور نیز اداره های مساعدت های حقوقی را فعال خواهیم ساخت. این امر به همکاری و کمک کشورها و سازمان های کمک دهنده شديدا نیازمند است، اما آنان در این بخش همکاری جدی ای تا کنون نداشته اند. همچنین وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان گفت که پیشرفت در مورد قوانین و تصویب آن در ولسی جرگه خوب است و همکاری مناسبی هم بین ریاست تقنین و موسسه جی.اس.پی. و دیگر موسسات همکار وجود دارد ولی وضعیت قوانین در بخش جزایی در بعضی موارد احتیاج دارد که به صورت پروژه کار شود و بعضی قوانین نیازمند کار چندین ساله را دارند.

آقای دیوید جانسن در مورد از کار کرد وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان در موارد مختلف اظهار خوشنودی کرد و وعده داد که در این موارد همکاری بیشتری صورت بگیرد.

معرفی قوانین (۱۱) قانون رسانه های همگانی

سید محمد رضا فخری

قانون رسانه های همگانی که به اساس مصوبه شماره (۹۶) مورخ ۱۰/۶/۱۳۸۷ ولسی جرگه مجدداً با دوثلث آرای کل اعضای آن در (۱۱) فصل و (۵۴) ماده تصویب گردید نسبت تناقض برخی از مواد آن با احکام قانون اساسی افغانستان، با رعایت حکم ماده (۱۲۱) قانون مذکور غرض بررسی مطابقت آن با قانون اساسی به ستره محکمه جمهوری اسلامی افغانستان ارجاع گردید که قرار شورای عالی ستره محکمه در ضمیمه نامه شماره (۱۷) مورخ ۲۶/۱/۱۳۸۸ آن اداره واصل شد تا مطابق آن در نشر قانون رسانه های همگانی و قرار شورای عالی ستره محکمه در جریده رسمی اقدام گردید. این قانون با در نظر داشت اصول و احکام دین مبین اسلام و به تاسی از حکم ماده سی و چهارم قانون اساسی و رعایت ماده نهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، به منظور تأمین حق آزادی فکر و بیان و تنظیم فعالیت رسانه های همگانی در کشور وضع گردیده است که اهداف عمده آن حمایت و تضمین حق آزادی فکر و بیان، حمایت از حقوق ژورنالیستان و تأمین شرایط فعالیت آزاد رسانه ها، ترویج و انکشاف رسانه های همگانی، آزاد، مستقل و کثرت گرا، رعایت اصل آزادی بیان و رسانه های همگانی مسجل در اعلامیه جهانی حقوق بشر با در نظر داشت رعایت اصول و احکام دین مقدس اسلام می باشد.

همچنان در این قانون بعضی اصطلاحاتی چون رسانه، رسانه برقی، رسانه چاپی، رسانه همگانی، ژورنالیست، مطبوعه، طابع، ناشر، موسسه نشراتی، نهاد آموزشی ژورنالیزم، دارالترجمه، آژانس خبر رسانی، شرکت تبلیغات و نشرات، صاحب امتیاز و مدیر مسول، رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی، اعلانات و اعانه، تعریف و معلومات داده شده است.

تاسیس رسانه های چاپی مطابق ماده دهم این قانون فقره (۱) اتباع کشور، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی، موسسات غیر دولتی داخلی و پناه گزینان کشور های خارجی و ادارات دولتی می توانند مطابق احکام این قانون رسانه های چاپی را تاسیس نمایند. و مطابق ماده بیست و هشتم این قانون مکلف اند جواز فعالیت آن را از وزارت اطلاعات و فرهنگ اخذ نمایند.

در ماده چهارم فقره (۱) این قانون در رابطه به آزادی فکر و بیان آمده است که هر شخص حق آزادی فکر و بیان را دارد. طلب، حصول و انتقال معلومات، اطلاعات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله، ایجاد محدودیت و تهدید از طرف مسولین دولتی شامل این حق است. این حق در بر گیرنده فعالیت آزاد وسایل پخش، توزیع و دریافت معلومات نیز می باشد.

این قانون از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ بوده و با انفاذ آن قانون رسانه های همگانی منتشره جریده رسمی شماره (۸۷۱) مورخ ۱۵/۱۰/۱۳۸۴ هجری شمسی ملغی شمرده می شود.

ورکشاپ پروژه آموزش مسلکی حقوقی در ولایات تخار و کابل

ورکشاپ زیر نام پروژه آموزش مسلکی حقوقی برای مساعدین حقوقی وزارت عدلیه تخار و کابل توسط موسسه محترم سازمان انکشاف حقوق افغانستان به کمک مالی دفتر کمک های انکشافی کشور آلمان، پروژه حاکمیت قانون برای اعضای مسلکی مساعدین حقوقی و بخش آگاهی عامه حقوقی وزارت عدلیه روز دوشنبه مورخ ۱۱ عقرب مطابق ۲ نوامبر ۲۰۰۹ توسط محترم هاشمزی معین مسلکی وزارت عدلیه در تالار درسی مرکز آموزش حقوقی پوهنتون کابل با اشتراک محترمه مرضیه واصل مسئول دفتر GTZ، محترم اسدالله وحدت رئیس عمومی مساعدین حقوقی و ترینر محترم هریک محمدظریف ستانکزی معاون انجمن مستقل وکلای مدافع محترم فضل الرحمن ایوبی استاد اکادمی

پولیس و محترمه خانم عزیزه عدالتخواه معاون ریاست عمومی مساعدت های حقوقی و اشتراک کنندگان از ولایات تخار و کابل افتتاح گردید.

در این ورکشاپ که با طلاوت آیاتی از قرآن کریم آغاز یافت، ابتدا اسدالله وحدت به اشتراک کنندگان خیر مقدم گفت و اظهار امیدواری نمود که از این ورکشاپ استفاده موثر نمایند.

آقای هاشمزی معین مسلکی وزارت عدلیه در ارتباط به موضوع دفاعیه نویسی و اهمیت آن در محاکم برای حاضرین صحبت نمود و از لحاظ شکلی و محتوایی ابعاد این موضوع را مورد بحث قرار داد.

محترمه مرضیه واصل مسئول دفتر GTZ سخنران بعدی ورکشاپ بود که اهداف ورکشاپ را برای حاضرین تشریح کرد. طرز فعالیت و کلای مدافع و مساعدين حقوقی، آشنایی آنان با قانون اساسی و روش دفاع از موکل در محاکم از موضوعاتی بود که در سخنرانی وی گنجانیده شده بود.

این ورکشاپ به مدت شش روز دوام نمود که به اشتراک کنندگان موضوعات به طور عملی و نظری تدریس گردید و در روز اخیر ورکشاپ یک محکمه تمثیلی توسط محصلین فاکولته شرعیات پوهنتون کابل دایر گردید و به طور عملی نشان داده شد که چطور مساعد حقوقی از موکل خویش در نزد محکمه دفاع نماید. قابل یادآوری است که دور بعدی این ورکشاپ در ماه دسامبر در کابل دایر می گردد که موضوعات تدریس شده را به شکل مفصل و علمی آن آموزش خواهند داد.

شورای وزیران مقررہ کادر علمی آکادمی علوم افغانستان را تایید نمود

شورای وزیران مقررہ کادر علمی آکادمی علوم افغانستان را تایید نمود

جلسه نبوتی شورای وزیران تحت ریاست حامد کرزی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان، روز دوشنبه ۱۱ عقرب ۱۳۸۸ در قصر گلخانه ارگ ریاست جمهوری دایر گردید.

طبق اجندا، آقای سرور دانش وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان طرح مقررہ کادر علمی آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان را به جلسه ارایه نمود.

این مقررہ به تاسی از حکم مندرج فقره ۲ ماده بیست و نهم قانون آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان و فقره ۳ ماده دهم ضمیمه شمار ۱ آن به منظور تنظیم شرایط پذیرش به کادر علمی آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان، ارتقاء به رتبه علمی بالاتر و سایر امور مربوط به آن، وضع گردیده است.

شورای وزیران بعد از بحث و تبادل نظر، طرح مقررہ کادر علمی آکادمی علوم جمهوری اسلامی افغانستان را مورد تصویب قرار داده، وزارت عدلیه را موظف نمود تا مقررہ متذکره را طبق تذکار جلسه تصحیح و نهایی سازد.

همچنین طرح حذف و تعدیل ماده هفتم قانون دافغانستان بانک به شرح ذیل توسط وزیر عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان به جلسه مطرح شد.

فقره ۲ ماده هفتم قانون دافغانستان بانک منتشره جریده رسمی شماره ۸۱۹ مورخ ۳۰/۱۱/۱۳۸۲ که با ماده ۱۱ آن در مغایرت قرار دارد حذف و متن فقره ۳ این ماده با فقره ۲ تعدیل گردد که مورد تایید شورای وزیران قرار گرفت.

وزارت عدلیه موظف شد تا تعدیل وارده در قانون دافغانستان بانک را از طریق دفتر وزیر دولت در امور پارلمانی غرض تصویب به پارلمان کشور ارجاع نماید

اصطلاحات حقوقی

سبوتاژ: خرابکاری عمدی در کارخانجات، معادن، تخریب پل ها، سرک ها، جاده ها و امثال آن که به منظور تضعیف حاکمیت دولت و نقصان بر دارایی عامه صورت می گیرد.

سددس: یک بر ششم حصه اشیاء، اموال و متروکه مورث.

سرقفلی بانک: پرداخت مزاد قیمت پرداخته شده توسط یک بانک به منظور وصول دارایی و بدیهی ها، متناسب به ارزش خالص دارایی و بدیهی.

سلف: شخصی که در گذشته و جود داشته باشد.

شبه پول: دارایی که به زودی قابل تبادل به پول باشد.

شتم: دشنام دادن، ناسزا گفتن و استعمال الفاظ رکیک.

صیانت: حقی که بر اساس آن اموال اشخاص از تعرض مصئون بوده و مطابق احکام قانون مورد حفاظت قرار می گیرد.

منبع: قاموس اصطلاحات حقوقی